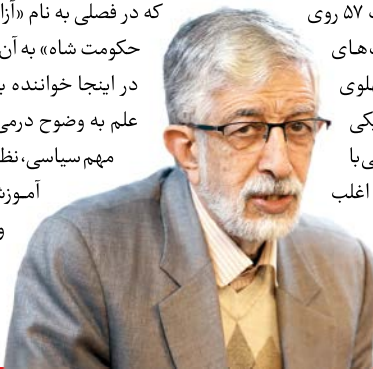


دکتر غلامعلی حداد عادل در نشست بررسی کتاب «محض اطلاع»

توصیه می‌کنم یادداشت‌های **عَلَم** را بخوانید

او ادامه داد: علم در یادداشت‌هایش از بعضی تفریحات خاص خودش و شاه با عنوان «گردش» یاد کرده است، گردش که در آن پای یک زن در میان است به طوری که در جلد هفتم یادداشت‌های علم که طی ۲۱ ماه تالیف شده است، معشوقه انگلیسی علم ۱۷ بار به ایران آمده است. از آن طرف شاه نیز در گردش خود در متن کتاب ۷۰ بار به معشوقه‌های خودش ملاقات کرده است. به شکلی که وقتی رزمایشی در حال انجام است و زلزله‌ها، رجال سیاسی و مقامات منتظر آمدن شاه برای شروع هستند، او مشغول گردش است!

رئیس اسبق مجلس شورای اسلامی بیان کرد: موضوع دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، بحث آزادی است که در فصلی به نام «آزادی و استبداد در دوران حکومت شاه» به آن اشاره شده است. در اینجا خواننده با مطالعه یادداشت‌های علم به وضوح درمی‌یابد که در همه مسائل مهم سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و دانشگاهی فقط و فقط شاه تصمیم می‌گیرد و هیچ‌کس جرات چون و چرا نداشته است.



مدارک نیست. اهل تحقیق، تاریخ‌نگاران و دانشجویان می‌توانند با دستمایه قرار دادن این یادداشت‌ها ده‌ها کتاب و پایان‌نامه تالیف کنند. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی عنوان کرد: من در کتاب محض اطلاع با تحلیل و بررسی یادداشت‌های علم خواستم یک پرده از فساد پهلوی را نشان دهم و در تابلو دیگر که به خاطرات سه چهره انقلابی پرداختم از فداکاری‌هایی بگویم که جوانان این کشور انجام دادند تا انقلاب اسلامی را حفظ کنند.

غلامعلی حداد عادل گفت: در بررسی و تحلیل یادداشت‌های علم بر این هدف بودم که چهره پهلوی را به روایت یکی از چهره‌های مطرح آن نشان دهم تا جوانان این کشور بدانند، چرا انقلاب ۵۷ روی

داد؟ آنچه در یادداشت‌های علم از وضعیت دوره پهلوی ارائه شده است از زبان یکی از کارگزاران است که دشمنی با شاه ندارد و شاهد نزدیک اغلب رویدادها و روابط شاه حتی در جنبه‌های خصوصی زندگی اوست.



نشست بررسی و نقد کتاب «محض اطلاع» با حضور دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سرای کتاب برگزار شد. دکتر غلامعلی حداد عادل در بررسی و نقد کتاب محض اطلاع، گفت: این کتاب تحلیل محتوایی جلد هفتم یادداشت‌های اسدا... علم، نخست‌وزیر و وزیر درباره پهلوی دوم است. یکی از اتفاقاتی که در زمینه تاریخ‌نگاری پس از انقلاب اسلامی روی داد، ظهور و رشد خاطره‌نگاری رجال سیاسی است. بخشی از رجال سیاسی پهلوی خاطرات خود را پس از سقوط رژیم نوشتند و برخی دیگر مانند اسدا... علم یادداشت‌هایی از دیدار با شاه و وضعیت کشور در همان زمان ثبت و در خارج از ایران نگهداری کرد. علم به دخترش وصیت می‌کند که این یادداشت‌ها را پس از مرگ شاه انتشار بدهند.

او افزود: من به جوانان توصیه اکید می‌کنم یادداشت‌های علم را بخوانند، چون این یادداشت‌های راوی وضعیت حکومت پهلوی از زبان یکی از رجال سیاسی نزدیک به دربار است. به نظر هیچ‌کدام از خاطرات رجال سیاسی به اندازه یادداشت‌های علم مفیدتر و مستند به اسناد و

نقد رمان «فصل بی‌هراسی» در رشت برگزار شد؛

مشکل رمان امروز، خالی بودن از پژوهش است



در میان دانشجویانی که از یک محیط کوچک به دانشگاه می‌آیند مشاهده می‌کنیم، این خلأ در داستان‌های علمی و مهنی، به اشتباه، دلبستگی تصور می‌شود اما در خلال قصه و با ورود فاطمه، جنس دیگری از تعلق، به نمایش گذاشته می‌شود که به حقیقت و باور علی نزدیک‌تر است.

مهدی کرد فیروزجایی، نویسنده، کارشناس و مدرس داستان، از طریق ارتباط برخط، به جلسه نقد پیوست و ضمن قصه‌گو خواندن رمان فصل بی‌هراسی، پژوهش عمیق نویسنده پیش از نگارش کار را ستود. وی در این باره گفت: یکی از مشکلات رمان‌های امروز، خالی بودن از عقبه مطالعاتی و پژوهشی است. کاری که عقبه پژوهشی داشته باشد و در قالب گفتار و رفتار، پیام‌های حساب شده‌ای را منتقل کند، ارزشمند است. فیروزجایی که در مراحل تولید رمان فصل بی‌هراسی، در خلال جلساتی، با نویسنده همراه بوده است، پژوهش فاضل را سبب غنای این اثر دانست و تأکید کرد: نویسندگان ما باید بدانند که برای خلق یک ماجرا، نیاز به پشتوانه تحقیقاتی دارند.

محمدحسین فاضل، نویسنده این رمان نیز گفت: برای نوشتن رمان از منابع دست اول از منشورات قدیمی سازمان مجاهدین خلق استفاده کردم و بعضی از مطالعاتم نیز مربوط به خاطرات افرادی است که از سازمان جدا شده بودند. وی همچنین از رمان‌هایی که دارای مضامینی مشابه بودند و روایتی از تاریخ سازمان مجاهدین داشتند، نام برد و افزود: جرقه اولیه رمان در سال ۹۶ در ذهنم شکل گرفت اما طی مطالعات و جلساتی که با دوستان نویسنده داشتم، ضمن حفظ خط اصلی، بسیاری از جزئیات تغییر کردند و در مجموع حدود ۱۵ بار بازنویسی، مرا به این فصل بی‌هراسی رساند.

طاهره مشایخ، نویسنده و مدرس دانشگاه، به شکل رابطه علی و مهناز در قصه اشاره کرد که حکایت از نوعی وابستگی داشت و نقش مهناز را به نوعی، پرکننده خلأ عاطفی علی به عنوان یک جوان دانشجوی شهرستانی دانست و گفت این واقعیت تلخ را امروزه نیز

جلسه نقد رمان «فصل بی‌هراسی» به همت نهاد کتابخانه‌های استان گیلان و با همکاری کانون ادبی راوی در کتابخانه عمومی خاتم الانبیاء رشت برگزار شد. فصل بی‌هراسی، اولین رمان محمدحسین فاضل، اثری داستانی با پیرنگ مبارزه و ماجراجویی، قصه چند جوان در دل روزهای پر التهاب مبارزه با رژیم پهلوی است که توسط شرکت چاپ و نشر بین‌الملل به‌تازگی منتشر شده است.

در آغاز این نشست، سمیه انصاری، مجری کارشناس، ضمن تأکید بر ضرورت پرداختن به روایت‌های داستانی از دل تاریخ در جهت حفظ هویت تاریخی، به اهمیت این رمان و آثاری از این دست در ترسیم صحیح حقایق تاریخی برای نسل امروز اشاره کرد.

در ادامه سعیده شیرنگ، منتقد و پژوهشگر، به شخصیت‌پردازی اثر اشاره کرده و گفت: مادر این رمان با چهار دسته شخصیت مواجهیم. شخصیت‌های محوری، شخصیت‌های حاشیه‌ای، شخصیت‌هایی که ابتداء در متن حضور دارند اما کم‌کم به حاشیه می‌روند و شخصیت‌هایی که از حاشیه داستان به متن می‌آیند. وی سپس با اشاره

به نام بردن از شهید سید علی اندرزگو در رمان، گفت: انتظار داشتم در طول اثر، شبی پررنگ‌تر از شهید اندرزگو را مشاهده کنم اما با توجه به این‌که در رمان‌های انقلابی، به همین اندک هم عموماً پرداخته نشده، این حرکت نویسنده را در نوع خود ارزشمند می‌دانم.



تاریخ

درباره کتاب «ترکه‌های درخت آلبالو»
ارتش فدای ملتهاشم نصیری
نویسنده

خیلی سخت است که سرهنگ معروف ارتش کشور باشی، چند سال از دوران خدمت صادقانهات را مشغول درگیری با اشرار مسلح کردستان بوده باشی و در نهایت در سال ۵۷ برای مقابله با مردم، تو را رئیس یکی از مقرهای مهم ژاندارمری تهران کنند و برای نشان دادن اقتدارشان، فرمان تیراندازی مستقیم به معترضان را در اختیار بگذارند. جالب‌تر این‌که تو به نیروهای اجازه شلیک حتی یک گلوله به سوی جوانان وطن را ندهی و دست آخر نیز به جرم کوتاهی در انجام وظایف نظامی‌ات و همراهی کردن با انقلابیون، محکوم به اعدام بشوی. سپس لطف تقدیر شامل حالت بشود و همان انقلابیون در بهمن ماه پیروز شوند و از قضا پدر همسرت نیز یکی از افراد با نفوذ آن جریان باشد. دیگر از این بهتر مگر ممکن است؟ باور پذیر نیست اما انقلابیون نیز درباره تو اشتباه می‌کنند و این بار به جرم خیانت به مردم کشور و صدور حکم تیر مستقیم علیه آنها، در دادگاه انقلاب، محکوم به اعدام می‌شوی. دنیای عجیبی است؛ یک روز تو را به جرم تیراندازی نکردن به سوی هم میهنانت و روزی دیگر تو را به جرم تیراندازی به آنها به عنوان خائن معرفی می‌کنند. از حکمت خداوند متحیر می‌شوی و به عنوان آخرین شانس

برای کمکی به وطن و رهایی یافتن از برچسب سرهنگ خائن، از قاضی دادگاه انقلاب می‌خواهی که تو را به کردستان بفرستد تا شاید بتوانی کمی از زنج همیشگی آن دیار بکاهی. برای قاضی تشریح می‌کنی که چند سال را در کردستان سپری کرده‌ای و وجب به وجب آنجا را مانند کف دست می‌شناسی. قاضی به هیچ عنوان قانع نمی‌شود تا سرانجام مجبور می‌شوی که یک جمله تاریخی بگویی: شما که در هر صورت می‌خواهید من را اعدام کنید؛ می‌دانید که در این شرایط حساس رفتن به کردستان برای یک ارتشی دست‌کمی از خودکشی ندارد. برای شما که فرقی ندارد؛ بگذارید من را گلوله‌های دشمنانم بکشد، نه هموطنانم! ترکه‌های درخت آلبالو، بر ساختن داستانی از زندگانی سراسر تلاش و کوشش سرهنگ ارتش، شهید ایرج نصرت‌زاد است. کسی که در دوران طاغوت، مسلمانانه زیست و همواره پشتیبان مردمش بود و در دوران پس از انقلاب اسلامی نیز با حضور خود در قائله کردستان، جام شهادت را نوشید تا باری دیگر به شعار ارتش فدای ملت جامه عمل ببوشاند! البته ترکه‌های درخت آلبالو چند پیرنگ فرعی نیز در بطن خود دارد که نشان دهنده دغدغه‌مندی نویسنده آن پیرامون تاریخ انقلاب اسلامی ایران است. از نکات فرمی جالب این داستان پرکشش، شهادت شخصیت اصلی آن در اواسط کتاب است؛ به طوری که در ۹۰ صفحه پایانی کتاب دیگر ردی از این شخصیت نیست. صفحات پایانی کتاب بیشتر ناظر بر نتیجه حضور افراد مخلص مانند نصرت‌زاد در مبارزه با اشرار ضدانقلاب و نقش پر رنگ آنان در حمایت از مردم مظلوم کردستان دارد. □

